

مبارزه برای مارکسیسم

اخيراً درباره جمع آوری کمکهای مالی توسط کارگران سن پترزبورگ برای مطبوعات طبقه کارگر بحث زنده‌ای در مطبوعات درگرفته است. باید اذعان داشت که جدی‌ترین و تفصیلی‌ترین بحث درباره این مسئله ضروری است، زیرا از نقطه نظر اصول سیاسی از اهمیت عظیمی برخوردار است.

وضع به چه گونه است؟ انحلال طلبان (نوایا رابوچایا گازتا) بر تقسیم مساوی پول جمع آوری شده اصرار می‌ورزند. مارکسیستها (سه ورنایا پراودا) خواهان تقسیم آن بنا بر خواست کارگرانی هستند که پول می‌دهند. کارگران باید با بحث درباره گرایش‌هایی که هر روزنامه دارد، خود تصمیم بگیرند که برای کدامیک کمک کرده‌اند.

قطعنامه بیست و دو نفر طرفدار انحلال طلبان در ویبورگ، که اولین سند درباره این مسئله است، صرفاً می‌گفت (رجوع کنید به نوایا رابوچایا گازتا شماره ۲، ۹ اوت): «کمکهای مالی به روزنامه‌های طبقه کارگر را بر اساس برابری بگیرید». سپس قطعنامه‌های کارگران برخی از کارخانجات نوبل و کارخانجات پوتیف (همانجا، شماره‌های ۶، ۸، ۹، ۱۰) از تقسیم کمکهای مالی به سه بخش مساوی حمایت کردند و عملاً آنرا انجام دادند - یک بخش برای مارکسیستها، یک بخش برای انحلال طلبان و یک بخش برای نارودنیکیها. هیئت تحریریه نوایا رابوچایا گازتا بطور ضمنی این عمل را تأیید کردند و در مقاله‌ای به قلم گ.ر. (۱) (شماره ۹) از آن دفاع نمودند.

سه ورنایا پراودا، برعکس، نشان داد که تقسیم مساوی شیوه نادرستی است و شیوه‌ای است که با هدفها و مقاصد مارکسیسم نمی‌خواند. ما تکرار می‌کنیم که هر کارگر دارای آگاهی طبقاتی باید این مسئله را به دقت و کاملاً بطور مستقل مطالعه کند.

استدلالتی که به طرفداری از تقسیم مساوی وجود دارد کدامند؟ ارجاع داده می‌شویم به «شعار مقدس کارگران مارکسیست - کارگران تمام کشورها، متحد شوید!». این سؤال مطرح می‌شود - آیا این شعار خواهان اتحاد کارگران مارکسیست که ممکن است عضو یک حزب مارکسیستی باشند، با آن کارگرانی است که از احزاب بورژوازی حمایت می‌کنند؟ هر کارگری که قدری به این بیاندیشد خواهد پذیرفت که این شعار خواهان چنین چیزی نیست.

در تمام کشورها، حتی در پیشرفته‌ترین آنها، کارگرانی وجود دارند که از احزاب بورژوازی حمایت می‌کنند - در بریتانیا طرفدار لیبرالها، در فرانسه طرفدار سوسیالیستهای رادیکال، در آلمان طرفدار کاتولیکها و حزب لیبرالی «مردم»، در ایتالیا طرفدار حزب رفرم (خرده بورژوازی) و در کشور همسایه لهستان طرفدار خرده بورژواهای P.S.P. (حزب سوسیالیست لهستان) هستند.

این شعار بزرگ، کارگران را فرا می‌خواند تا در یک حزب پرولتری و مستقل طبقاتی متحد شوند و هیچ یک از احزابی که در بالا نامبرده شد پرولتری نیستند.

اصل بنیادی نارودنیکیهای ما را در نظر بگیرید. از نقطه نظر نارودنیکی، الغای مالکیت خصوصی بر زمین و تقسیم مساوی آن سوسیالیسم یا «سوسیالیزه کردن» است، اما این نقطه نظر اشتباه و بورژوازی است. مدتها پیش مارکس نشان داد که اقتصاددانان بورژوازی که جسارت بیشتری دارند، می‌توانند خواهان الغای مالکیت خصوصی بر زمین باشند و آن را

مطالبه می کنند(۲). این یک رفرم بورژوازی است که حوزه عمل سرمایه داری را وسعت می بخشد. ما از دهقانان بمثابه دمکراتهای بورژوا در مبارزه شان برای زمین و آزادی علیه زمینداران فئودال مآب حمایت می کنیم.

با این همه، وحدت بین یک تشکیلات پرولتری کارگران مزدبگیر و دمکراتهای دهقانی خرده بورژوا تخطی آشکار از شعار بزرگ مارکسیستی است. تلاش برای چنین وحدتی صدمه بزرگی به جنبش طبقه کارگر می زند و همواره به یک اضمحلال سریع می انجامد.

تاریخ روسیه (در سالهای ۱۹۰۵، ۱۹۰۶ و ۱۹۰۷) نشان داده است که حمایت طبقاتی و توده‌ای از نارودنیکها جز از طرف جناح چپ دهقانان وجود ندارد و نمی تواند وجود داشته باشد.

بنابراین انحلال طلبان و کارگرانی که از آنها پیروی می کنند از مارکسیسم عقب نشسته‌اند، راه طبقه را ترک کرده‌اند و در راه وحدت غیرحزبی بین کارگران مزدبگیر و یک حزب خرده بورژوازی گام نهاده‌اند. زیرا به واقع این یک اتحاد غیرحزبی است هنگامی که به کارگر گفته می شود: سعی نکن بفهمی حزب پرولتری کدام است و حزب خرده بورژوازی کدام، یکسان به هر دو کمک کن!*

گ.ر. در نوایا رابوچایا گازتا شماره ۹ نوشت: «توده‌ها نمی توانند به ریشه قضایا پی ببرند». دقیقاً به این دلیل است که به یک روزنامه قدیمی و امتحان شده نیاز داریم تا آگاهی سیاسی توده‌هایی را که «نمی توانند به ریشه قضایا پی ببرند» ارتقاء دهد و به آنها کمک کند به ریشه قضایا پی ببرند و آنرا درک کنند.

اشاره گ.ر. و نویسندگان مشابهی که با وحدت مارکسیستی متشکل مقابله می کنند (اما هرگز مسئله وحدت دو حزب را مطرح نمی کنند!) - اشاره آنها به «توده‌هایی که نمی توانند به ریشه قضایا پی ببرند» چیزی نیست مگر موعظه گرایشهای غیرحزبی، عقب نشستن از مارکسیسم، پیگیری مزورانه نظرات و سیاستهای خرده بورژوازی.

با چنین سیاستی است که انحلال طلبان نام خود را تصدیق می کنند، یعنی آنها تشکیلات مارکسیستی را ترک کرده‌اند و نابودکنندگان آنند.

استدلال دیگر (رجوع کنید به مقاله گ.ر. و بحث هیئت تحریریه نوایا رابوچایا گازتا در شماره ۶) اینست که کمکهای مالی ای که منطبق با گرایشهای سیاسی گرفته شود در «مخالفت یکپارچه با ارتجاعیون» که روزنامه‌های کارگری را مورد آزار قرار می دهند اخلال ایجاد می کند.

هنگامی که یک کارگر آگاه در امور سیاسی در این باره بیانید متوجه خواهد شد که این همان استدلالهای قدیمی لیبرالی درباره اخلال در «یکپارچگی علیه ارتجاع» به وسیله جدایی دمکراتها از لیبرالها است. این یک استدلال بورژوازی و کاملاً اشتباه است.

* نحوه واکنش برخی کارگران به موعظه غیراصولی انحلال طلبان را همچنین می توان از قطعنامه زیر که در شماره ۲۱ نوایا رابوچایا گازتا منتشر شد مورد داوری قرار داد.

«ما این تصمیم [تقسیم مساوی کمکهای مالی بین سه روزنامه] را ضروری و تنها تصمیم عادلانه می دانیم؛ نخست، به دلیل آنکه هر سه روزنامه، بمثابه روزنامه‌های کارگری به یکسان در معرض مجازات و آزار قرار دارند، و دوم، اکثریت بزرگ کارگران، هم در اینجا و هم در دیگر نقاط کشور، بطور کامل ویژگیهای گرایشهای مختلف حزبی را درک نکرده‌اند و نمی توانند با آگاهی کامل خود را به یکی از آنها پیوند دهند، بلکه به یکسان از همه آنها هواداری می کنند.»

روزنامه انحلال طلبان هرگز نکوشیده است برای خوانندگان خود توضیح دهد، هرگز به آنها فرصت نداده است که دریابند آیا می توان یک روزنامه نارودنیک را روزنامه طبقه کارگر تلقی کرد، و آیا باید آنرا با یک روزنامه مارکسیستی یا حتی انحلال طلب اشتباه گرفت. نوایا رابوچایا گازتا ترجیح می دهد به آنچه «ابتدایی» است بچسبد، و تا زمانی که بتواند «موی دماغ» مارکسیستها باشد در پی کسانی که درک نمی کنند گام بردارد.

توده‌های غیرحزبی که به قول گ.ر. «نمی‌توانند به ریشه قضایای پی ببرند» به طرز عالی از نمونه‌ها می‌آموزند. کسی که هنوز نادان است و آگاهی سیاسی ندارد، کسی که نمی‌تواند فکر کند یا بیش از آن تنبل است که بیندیشد و «به ریشه قضایای پی ببرد» دست تکان خواهد داد و خواهد گفت: «من هم اعتراض می‌کنم، به همه سهم برابر بدهید». اما کسی که شروع کند به فکر کردن و «پی بردن به ریشه قضایا» برای شنیدن بحث درباره پلاتفرمها، برای شنیدن دفاع از نظرات هر گرایش نیز خواهد رفت و با شنیدن از آنهایی که آگاهی سیاسی بیشتر دارند، خود به تدریج خواهد آموخت، و بی تفاوتی او و هواداری وسیع او از همه، به یک بینش مشخص و اندیشمندانه درباره روزنامه‌ها تغییر خواهد کرد.

انحلال طلبان همه این حقایق ابتدایی را فراموش کرده‌اند که «هر کارگر باید بداند و به خاطر بسپارد». آنها با طرح خود برای «تقسیم مساوی» ثابت کرده‌اند که به درستی بمثابة محمل روح غیرحزبی، بمثابة مرتدان از مارکسیسم و مبلغان «نفوذ بورژوایی بر پرولتاریا» تلقی می‌شوند (رجوع کنید به مصوبه به اتفاق آراء مارکسیستها در ژانویه ۱۹۱۰).

تشکیلات مارکسیستی با برنامه مشترک، تاکتیکهای مشترک، تصمیمهای مشترک درباره طرز برخورد به ارتجاع، سرمایه داران، بورژوا دمکراتها(نارودنیکها) و جز آن، کارگران دارای آگاهی سیاسی را متحد می‌سازد. تمام این تصمیمات مشترک - از جمله تصمیمات ۱۹۰۸، ۱۹۱۲ و ۱۹۱۳ درباره پوچی و زیانباری رفرمیسم - از طرف مارکسیستها حمایت می‌شوند و بطور پیگیر به وسیله آنها به اجرا گذاشته می‌شوند.

بحثها(گفتگوها، مناظره‌ها، مجادله‌ها) درباره احزاب و درباره تاکتیکهای مشترک ضروری اند؛ بدون این بحثها توده‌ها متفرق اند؛ بدون این بحثها تصمیمهای مشترک غیرممکن است و از این رو وحدت عمل نیز غیرممکن است. بدون این بحثها تشکیلات مارکسیستی آن کارگرانی «که می‌توانند به ریشه قضایای پی ببرند» متلاشی می‌شود و از این طریق نفوذ بورژوازی بر ناآگاهان تسهیل می‌شود.

در تبلیغ برای کمکهای مالی مطابق با گرایشهای سیاسی، کمکهای مالی به همراه بحث درباره پلاتفرمها، بهترین کارگران سن پترزبورگ برای مارکسیسم و علیه علمداران روحیه غیرحزبی مبارزه می‌کنند.

ما اطمینان داریم که کارگران همواره و همه جا تمام تلاشهای خود را تنها در راستای حمایت از شیوه مارکسیستی کمکهای مالی و بحثهایی که به توده‌ها آموزش می‌دهد به کار می‌گیرند.

سه ورنایا پراودا، شماره ۲۷

۳ سپتامبر ۱۹۱۳

امضاء: و. ایلین

مجموعه آثار لنین، جلد ۱۹

توضیحات

۱- (G. Rakitin) G.R. - نام مستعار منشویک انحلال طلب V.O. Tsederbaum.

۲- کارل مارکس، «تئوریهایی درباره ارزش اضافی»

(Theorien über den Mehrwert 2. Teil. Dietz Verlag, Berlin, 1959, S. 36).